

طرح اسراییل بزرگ با توجه به عوامل جمعیتی، نفت و آب

صالح زهر الدین، مشروع اسراییل الکبری؛ بین الدیمو جرافیا و النفط و المیاه، بیروت: المرکز العربی للابحاث و التوثیق، ۱۹۹۶، ۳۱۰ ص.

مهدی قویدل دوستکوهی،
دانشجوی کارشناسی ارشد
روابط بین الملل دانشگاه شهید بهشتی

تاریخی حک شده بر ساختمان مجلس نمایندگان (کنیست) تحت عنوان «مرزهای توای اسراییل از فرات تا نیل است» استوار است. نویسنده کتاب به نقل از پرفسور «اسراییل شاهاک» می نویسد: ایدئولوژی یهودی که ریشه در تلموذ و تورات دارد، هدایتگر سیاست اسراییل است و اسراییل سعی می کند با جنگ و یا صلح، سرزمینهای منطقه را تصاحب کند. نویسنده اشاره می کند که «اسراییل بزرگ»، رویای طبقه حاکمه و اکثریت یهودیان است.

نویسنده در فصل اول کتاب، تحت عنوان «نقش جمعیت و سیاست انتقال در توطئه صهیونیستی کردن فلسطین» اشاره می کند که نبرد با صهیونیستها و دولت متجاوز آن در اصل، نبرد جمعیتی است. صهیونیستها قصد دارند جغرافیا، تاریخ و تمدن سرزمینهای اشغالی را یهودی کنند و برای صهیونیستی کردن آینده و مداخله در سرنوشت اعراب، تلاش می کنند. از سوی دیگر، اسراییل برای حل مسئله جمعیت و مقابله با بمب ساعتی عربی، یعنی افزایش جمعیت اعراب در فلسطین، به خون جدید

کتاب طرح اسراییل بزرگ، با توجه به عوامل جمعیتی، نفت و آب در سال ۱۹۹۶ از سوی مرکز عربی تحقیقات و اسناد در بیروت به چاپ رسید. این کتاب، حاوی یک مقدمه، هشت فصل، نتیجه و منابع است. دکتر صالح زهر الدین، نویسنده کتاب در مقدمه یادآور می شود که رژیم صهیونیستی (الکیان الصهیونی) برای وجود و ادامه حیات خود بر دو مسئله تاکید می کند: مسئله اول، نژادی یا خونی؛ یعنی وجود یهودیان شهرک نشین است. مسئله دوم آبی است که بر پایه شعار

یهودی نیاز مبرم دارد. بنابراین، مسئلهٔ جمعیتی در توطئهٔ صهیونیستی، یک بعد استراتژیک است.

نویسنده با اشاره به سیاست موسوم به بازسازی (Perestroika) گورباچف در شوروی سابق که مهمترین اصل آن اشاعهٔ دموکراسی در جامعهٔ شوروی بود، یادآور می‌شود که با سیاستهای گورباچف، زمینه برای مهاجرت یهودیان روسی به کشورهای دیگر، بویژه اسرائیل فراهم شد و فلسطین به «زباله‌دان» سیاست رهبران شوروی تبدیل شد. در قالب مهاجرت جمعی یهودیان شوروی به اسرائیل، نیروی کار ماهر، مهندسان، صاحبان صنایع، پزشکان و متخصصان دانش فنی و الکترونیک که اسرائیل به آن نیاز داشت و همچنین افسران روسی و ارد این کشور شدند. بر این پایه، منطق جنایات و تروریسم صهیونیستی در مورد مردم فلسطین تقویت شد. این مهاجرت، موجب آوارگی بیشتر مردم فلسطین شد و موازنهٔ جمعیت را به نفع یهودیان تغییر داد.

نویسنده برای نشان دادن تعداد مهاجران روسی به اسرائیل - بویژه پس از

پایان جنگ سرد- آماری ارایه نمی‌کند. بر پایهٔ کتاب «دین و سیاست در اسرائیل» نوشته «عبدالفتاح محمدماضی» وزارت جذب و مهاجرت اسرائیل تعداد مهاجران یهودی روسی به این کشور در سالهای ۱۹۹۴، ۱۹۹۵ و ۱۹۹۶ را به ترتیب، ۶۷۶۰۰، ۶۵ و ۵۹ هزار اعلام کرده است و در پنج ماهه اول سال ۱۹۹۷، تعداد ۱۷۷۷۹ مهاجر یهودی روسی وارد اسرائیل شدند. در سال ۱۹۸۹، در شوروی حدود ۲٫۲ میلیون یهودی زندگی می‌کردند که پس از آمریکا، بزرگترین اقلیت یهودیان جهان را در خود جای داده بود.^۱

نویسندهٔ کتاب، مهاجرت یهودیان از اتحاد شوروی پیشین و دیگر مناطق به فلسطین اشغالی را به طرح «اسرائیل بزرگ» پیوند می‌دهد و معتقد است جذب مهاجران، روند انتقال (اخراج و کوچاندن) اعراب را ضروری می‌سازد. دکتر زهر الدین معتقد است مسئلهٔ جمعیتی و اخراج اعراب از فلسطین از روح تورات گرفته شده است، فلسطینی‌ها قربانیان آن هستند.

نویسنده کتاب، دیدگاههای برخی کارشناسان صهیونیستی از تورات را در زمینه مسئله جمعیت متذکر می‌شود. به عنوان مثال، «ارنون ساور»، جغرافیدان صهیونیستی معتقد است که بزرگترین خطر اسرائیل مشکل جمعیتی است. اسحاق رابین، نخست وزیر اسبق اسرائیل نیز اخراج فلسطینی‌ها را یک سلاح بسیار مفید توصیف می‌کند. نویسنده نتیجه می‌گیرد که این کارشناسان، خواهان یک کشور یهودی، بدون حضور اعراب هستند.

دکتر زهر الدین معتقد است: «مهاجرت یهودیان شوروی به فلسطین اشغالی، مسئله بسیار مهمی است، زیرا استفاده از مهارت مهاجران در ارتقای اقتصاد اسرائیل مؤثر بود، منابع انسانی اسرائیل را تقویت کرد، آوارگی فلسطینیها را شدت بخشید و این شعار اسرائیلی را احیا کرد که اردن، فلسطین است.»

فصل دوم، به نقش و اهمیت اسرائیل در جهان عرب اختصاص دارد. نویسنده، اهمیت اسرائیل را در پنج بخش ژئواستراتژیک، سیاسی، نظامی، اقتصادی و بالاخره، اهمیت تمدنی و فرهنگی و

روانی تقسیم‌بندی می‌کند. وی در مورد موقعیت ژئواستراتژیک اسرائیل با نقل قول از کتاب هنر جنگ، اثر پدر استراتژی، سن تسو می‌گوید: «شکل طبیعی یک کشور، بهترین متحد یک نظامی است.» ارنون ساور نیز بر همین اساس معتقد است که از آنجا که اسرائیل، آفریقا، آسیا و اروپا را به هم متصل می‌کند، تنها پل زمینی جهان است.

از نظر سیاسی نیز نویسنده معتقد است که اسرائیل نقش خود را خوب بازی کرده است. امنیت کشورهای عربی را برهم زده، باعث دو دستگی در سیاست اعراب شده و به اختلافات نژادی و مذهبی در کشورهای همجوار دامن زده است.

در بعد نظامی نیز نویسنده بر این باور است که اسرائیل یک دژ نظامی و یک پایگاه مقدم غرب در منطقه برای ضربه زدن به اعراب و اسلام و مدافع منافع امپریالیسم در منطقه است. اسرائیل در انجام این مأموریت، برای عامل تکنولوژی مدرن در صنایع نظامی اهمیت زیادی قایل است.

با توجه به ارتباط نزدیک عوامل سیاسی، اقتصادی و نظامی، کارکرد

فلسطینیها» اشاره می‌کند که هدف سیاست شهرک‌سازی برای اسکان یهودیان، نه تنها کسب توازن جمعیتی به نفع ایشان است، بلکه تحمیل حاکمیت اسرائیل بر منطقه، افزایش حضور یهودیان در منطقه و بی‌ثباتی وجود اعراب از دیگر اهداف آن به شمار می‌رود. این فصل به مراحل مختلف مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی و طرح‌های اخراج فلسطینیها نیز اشاره می‌کند.

نویسنده در فصل چهارم، تحت عنوان «عربیت و اسلامیت فلسطین، بین سندان تجاوز و چکش یهودی کردن»، سرزمین فلسطین را از ۴۵ قرن پیش یک سرزمین خالص عربی می‌داند که هیچ زمانی از ساکنان عرب خالی نبوده است. این سرزمین از زمان امویان تا عباسیان، طولون‌ها، فاطمیون، ایوبیها، دوره ممالیک و عثمانیها، محل سکونت مسلمانان بوده است. نویسنده در بخش دیگری از این فصل به تلاش‌های اسرائیل برای یهودی کردن فلسطین اشاره می‌کند و حمایت سیاسی، و نظامی و مادی امپریالیسم را برای ادامه اشغالگری صهیونیستها، حیاتی می‌داند.

اقتصادی رژیم صهیونیستی مهم تلقی می‌شود. اسرائیل، بازار کالاهای غربی است و یک نقش گردشگری را در جهت از رونق انداختن نقش گردشگری برخی کشورهای عربی بازی می‌کند. ازسوی دیگر، غرب از بازارهای مهم برای اسرائیل است، زیرا هم کالاهای خود را به فروش می‌رساند و هم اقتصاد خود را تقویت و در عین حال، برای تضعیف اقتصاد کشورهای عربی تلاش می‌کند. سیاستهای برنامه‌ریزی شده اسرائیل برای سرقت آبهای عربی نیز در این چهارچوب قابل تأمل است.

بالاخره اینککه، وجود رژیم صهیونیستی در منطقه عربی، یک چالش کامل تمدنی است، زیرا یکی از تراوشهای استعمار غربی است که اعراب و اسلام را هدف قرار داده است. نویسنده می‌پرسد، معنی اقدام گورو، ژنرال فرانسوی در برابر آرامگاه صلاح الدین ایوبی در دمشق پس از نبرد میسلون در ۲۴ ژوئیه ۱۹۲۰ چیست که گفت: «صلاح الدین ما برگشتیم؟»

فصل سوم کتاب، تحت عنوان «قانون و برنامه بی‌خانمان کردن

فصل پنجم به ارتباط میان نفت و رژیم صهیونیستی اختصاص دارد. نویسندگان می‌گویند اسرائیلی‌ها قبل از تأسیس و قبل از اینکه اعراب درک کنند، به این نکته پی برده بودند که نفت، نه تنها یک کالای تجاری، بلکه یک سلاح سیاسی است که در کشمکش آینده با اعراب، اثرات نظامی دارد. نویسندگان، اتحاد کشورهای عربی با استفاده از نفت به عنوان یک سلاح قومی را شرط لازم برای بنای یک جامعه نوین عربی در برابر اسرائیل می‌دانند.

هر قدر امنیت قومی عربی تضعیف شود به همان میزان، امنیت قومی صهیونیستی تقویت می‌شود. نویسندگان کتاب در فصل ششم به چشم‌داشت اسرائیل به جنوب لبنان می‌پردازد و معتقد است که وجود منابع آبی و اهمیت نظامی و استراتژیک، موجب شده که منطقه جنوب لبنان برای اسرائیل، یک منطقه حساس تلقی شود. مضافاً اینکه اسرائیل برای توسعه جمعیتی خود و به خاطر مرغوبیت خاک، به این منطقه چشم‌داشت دارد. نویسندگان در این فصل نتیجه می‌گیرند

که اسرائیل، جنوب لبنان را جزئی از فضای حیاتی خود می‌داند. نویسندگان پایان فصل ششم، اسناد مربوط به «آب جنوب لبنان و امنیت قومی صهیونیست» را ضمیمه کرده است.

نویسندگان در فصل هفتم به پیمان ترکیه و اسرائیل می‌پردازد و بر موقعیت استراتژیک ترکیه تأکید می‌کند. ترکیه با توجه به موقعیت حساس ژئواستراتژیک و با در نظر گرفتن هماهنگی کارکردی با آمریکا و اسرائیل، نقش سیاسی و اقتصادی و نظامی مهمی در تحولات منطقه ایفا می‌کند.

در رابطه با روابط آمریکا و ترکیه، نویسندگان معتقد است که آمریکاییها به حساسیت موقعیت ترکیه پی برده‌اند و توجه و اشتغال به ترکیه پس از سرنگونی شاه در ایران افزایش یافته است و ترکیه، جبهه مقدم آمریکا علیه کشورهای خلیج فارس و خاورمیانه است. وی با اشاره به وجود پایگاههای آمریکایی در ترکیه از جمله پایگاه اینچرلیک و سینوب، هدف سیاست آمریکا را محاصره خاورمیانه در جهت حفظ منافع خود می‌داند.

در مورد روابط ترکیه و اسرائیل، نویسندگان یادآوری می‌کنند که ترکیه، نخستین کشور اسلامی بود که در ۲۸ مارس ۱۹۴۹، اسرائیل را به رسمیت شناخت و با آن رابطه برقرار کرد. وی به نقل از دکتر حسن قونی، استاد روابط بین‌الملل در دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آنکارا می‌گوید: «ترکیه با تقویت روابط با اسرائیل دو هدف را دنبال می‌کند: نخست، کسب حمایت لابی یهودی در جهان، بویژه در آمریکا در برابر لابی ارمنی و لابی یونانی. دوم، تمایل ترکیه به ورود به بازارها و نهادهای مالی بین‌المللی که کلید ورود به آنها در دست اسرائیل است.» نویسندگان، حضور شرکتهای یهودی در ترکیه را قابل توجه می‌دانند و می‌گویند: اسرائیل از طریق روابط ویژه با آنکارا قصد دارد به رویای قدیمی و استراتژیک خود مبنی بر دسترسی جغرافیایی به خاک اروپا از طریق پل ترکیه تحقق بخشد. ترکیه از نظر غرب، دروازه اروپای غربی به سوی خلیج فارس و پایگاه اصلی منافع آمریکا در آن است.

در این فصل، نویسندگان با مطرح

کردن «تئوری نئوتورانيسم» معتقد است که سیاستهای فعلی ترکیه در برابر کشورهای عربی و سیاستهای آنکارا در قبال جمهوریهای مسلمان نشین در آسیای مرکزی و بالکان در واقع در راستای تلاش ترکیه برای احیای تورانیسم عثمانی است. اولین اجلاس سران کشورهای ترک زبان در ۲۹ اکتبر ۱۹۹۲ در آنکارا برگزار شد. در این اجلاس، کشورهای ترکیه، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان، قرقیزستان و ترکمنستان شرکت داشتند. تورگوت اوزال، رئیس جمهوری وقت ترکیه در این اجلاس گفت: «ما یک زبان، یک تاریخ و یک فرهنگ داریم و می‌توانیم یک قدرت باشیم.» نویسندگان در این فصل نتیجه می‌گیرند: از آنجا که ترکیه نمی‌تواند بدون دشمن زندگی کند، بنابراین، ترکیه با احیای تئوری نئوتورانيسم، دشمن مشترک همه ملتها از جمله اعراب، ارمنی‌ها و کردها است.

فصل هشتم و آخرین فصل به مسئله رود نیل و روابط اتیوپی و اسرائیل اختصاص دارد. نویسندگان یادآور می‌شود که رود نیل پس از رودخانه می‌سی‌سی‌پی، دومین

رود طولانی جهان است و از سرچشمه تا مصب رودخانه ۶۷۰۰ کیلومتر طول دارد. نیل، منبع اصلی انرژی از کشورهای آفریقایی اتیوپی، سودان، تانزانیا، کنیا، رواندا، بوروندی، زئیر، اوگاندا و مصر است. میزان اهمیت نیل برای کشورهای ساحلی به یک اندازه نیست، ولی برای مصر به مثابه شریان حیات است.

در واقع، مصر ۸۵ درصد آب خود را از سه رودی دریافت می‌کند که از بلندبیهای واقع در اتیوپی سرچشمه می‌گیرد. بنابراین، مصر حساسترین کشور ساحلی در برابر بحرانه‌های آبی است. این جاست که بعد استراتژیک رود نیل برای غرب و اسرائیل مشخص می‌شود. نویسنده با اشاره به وجود معاهدات حقوقی برای استفاده از آب رودخانه نیل، معتقد است که اتیوپی در استفاده از آب رود نیل برخلاف کشورهای ساحلی عمل می‌کند. اتیوپی اقدام به سد سازی روی رود نیل می‌کند تا از میزان آب دریافتی مصر و سودان بکاهد. همان کاری که هم اکنون ترکیه بر روی رودخانه دجله و فرات انجام می‌دهد تا آبهای دریافتی سوریه و عراق را

کاهش دهد. اتیوپی، همکاری با دیگر کشورهای ساحلی را نمی‌پذیرد. این کشور برای تضعیف و تجزیه سودان، از سرهنگ شورشی سودانی، جان گارانگ که با دولت مرکزی خارطوم می‌جنگد، حمایت می‌کند.

اسرائیل آب رانه یک منبع اقتصادی، بلکه یک مسئله سیاسی، نظامی - امنیتی و جمعیتی می‌داند که با ادامه موجودیت آن، ارتباط تنگاتنگ دارد. بر این پایه، آب رودخانه نیل، یکی از زمینه‌های همکاری اتیوپی و اسرائیل است. اتیوپی با سیاستهای ویژه خود در استفاده از آب رود نیل در جهت «صهیونیستی کردن نیل» گام بر می‌دارد. اسرائیل، پس از جنگ ۱۹۷۳، به اهمیت به زانو در آوردن دولت مصب (مصر) با اعمال فشار بر دولت سرچشمه نیل (اتیوپی) پی برد. البته از اوایل دهه پنجاه میلادی، امپراتور هایله سلاسی، درهای کشورش را به روی اسرائیلیها گشود و پلیس اتیوپی بر پایه مدل پلیس اسرائیل به وجود آمد. از سال ۱۹۵۷، ارتش اسرائیل شروع به آموزش و

۱۹۹۳ رایه شده و اعلامیه اصولی هلسینکی در مورد استفاده از آب رودهای بین‌المللی مورخ سال ۱۹۹۰ نیز ضمیمه شده است.

به عنوان نتیجه، صهیونیستها خیلی بیشتر از بقیه ساکنان منطقه به اهمیت عنصر آب در زندگی سیاسی خود پی برده‌اند. در تمام جنگ‌های عربی-اسرائیلی، به نحوی مسئله آب مطرح بوده است. امنیت آبی اعراب با امنیت غذایی و این دو با امنیت قومی عربی ارتباط دارد. نویسنده خواستار تدوین یک استراتژی آبی عربی یکپارچه می‌شود و هشدار می‌دهد که عطش اسرائیل در زمینه غارت منابع آبی منطقه حد و مرزی ندارد و سیاستهای جمعیتی اسرائیل در جهت تحقق «اسرائیل بزرگ» ادامه دارد.

نویسنده مطرح می‌کند که به رغم طرح مسایلی همچون نظم نوین جهانی یا نظم نوین منطقه ای و یا مطرح شدن تز خاورمیانه جدید از سوی شیمون پرز، هیچ تغییری در طرح «اسرائیل بزرگ» به وجود نیامده و هنوز یکی از مقدسات صهیونیست‌ها است.

سازماندهی ارتش اتیوپی کرد. همزمان، اسرائیل شروع به حضور نظامی در چند جزیره در دریای سرخ کرد و پس از آن، مقامات اسرائیلی از جمله اسحاق رابین، موشه دایان، ابه ابان، شیمون پرز و ... یکی پس از دیگری از این کشور دیدن کردند. اسرائیل از اواخر سال ۱۹۸۴، با عملیات موسوم به «عملیات موسی» و در ماه مه ۱۹۹۱ در طی «عملیات سلیمان»، هزاران نفر از یهودیان اتیوپی (فالاشه) را به اسرائیل آورد و بسیاری از آنها را در مزارع شبعا در جنوب شرق لبنان اسکان داد. اتیوپی با ۳۵ میلیون نفر جمعیت (آمار اواسط دهه ۹۰)، بازار فروش محصولات اسرائیلی است.

اسرائیل از اتیوپی به عنوان برگه ای در بازی سیاسی و نظامی با مصر استفاده می‌کند و شش کشور عربی مصر، سودان، سومالی، جیبوتی، عربستان و یمن را به محاصره خود در می‌آورد.

نویسنده قبل از نتیجه‌گیری، اسناد مربوط به رودخانه نیل را به عنوان ضمیمه آورده است. گزارش بسیار محرمانه اتحادیه عرب در مورد آب که در سال

این کتاب، مسایل حساس منازعهٔ اعراب-اسرائیل را به شیوهٔ علمی و آکادمیک بیان می‌کند. این کتاب، زنگ خطر را به صدا در می‌آورد و برای بیمار عربی که بامرض اسرائیل مواجه است، دارو تجویز می‌کند و بیداری عربی و اسلامی در تمام زمینه‌ها را برای مقابله با اسرائیل گام اول می‌داند.



یادداشت

۱. عبدالفتاح محمد ماضی، الدین و السياسة فی اسرائیل، القاهرة: مکتبه مدبولی، ۱۹۹۹، ص ۴۷.